



The Iranian Association of
Medical Law



Institute of Bioethics
and Health Law

State Civil Liability in Relation to the COVID-19 Pandemic in Light of Judicial Decisions

Mehdi Omid¹, Mohammad Hossein Jafari^{1*}, Ruhollah Bakhtjoo²

1. Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Department of Law, Taft Branch, Islamic Azad University, Taft, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Infectious diseases pose a serious threat to human life and health and may rapidly spread from a local outbreak to a global pandemic. Throughout its history, Iran has experienced numerous outbreaks of infectious diseases that have inflicted substantial human and financial losses. Owing to its civil liability toward citizens, the State is obliged to restore social conditions, as far as practicable, to those existing prior to the outbreak of such diseases. As an infectious disease and a global public health crisis, the COVID-19 pandemic has raised significant legal challenges, particularly regarding the civil liability of governments. This study examines the legal foundations of state civil liability in the context of the COVID-19 pandemic through an analysis of judicial decisions.

Methods: This study employed a descriptive-analytical method with a comparative approach. It examines the traditional and contemporary theoretical foundations of state liability, relevant legal instruments, including the Constitution and disaster management legislation, as well as national and international judicial decisions concerning state civil liability for damages arising from the COVID-19 pandemic.

Ethical Considerations: Throughout all stages of this research, the principles of honesty, academic integrity and respect for the originality of sources were fully observed.

Results: The findings indicate that the traditional theories of fault-based liability and risk liability are inadequate for compensating collective pandemic-related losses because of the inherent difficulties in establishing causation and the natural origin of the virus. By contrast, contemporary theories, particularly the Responsible State Theory and the principle of social solidarity, which are grounded in the State's positive obligations, the principle of no harm and compensation from public funds, provide a more equitable basis for state liability. Moreover, judicial decisions in Iran and other jurisdictions demonstrate a gradual shift from individual fault-based liability toward systemic state responsibility and compensation financed through public resources.

Conclusion: This study concludes that the Responsible State Theory provides the most appropriate and equitable foundation for state liability in cases of force majeure and pandemic events. Under this approach, liability is founded not on fault but on the State's obligation to protect the lives and property of its citizens and to ensure the fair distribution of social losses. To implement this approach effectively, it is recommended that specific legislation be enacted to establish statutory limits for compensation and that a National Pandemic Compensation Fund be created from public revenues to provide a prompt and equitable mechanism for compensating victims.

Keywords: State Civil Liability; COVID-19; State Liability in Judicial Decisions; Responsible State Theory

Corresponding Author: Mohammad Hossein Jafari; **Email:** Vakeel@gmail.com

Received: April 16, 2023; **Accepted:** February 28, 2024; **Published Online:** May 23, 2026

Please cite this article as:

Omid M, Jafari MH, Bakhtjoo R. State Civil Liability in Relation to the COVID-19 Pandemic in Light of Judicial Decisions. *Medical Law Journal*. 2026; 20: e10.



مسئولیت مدنی دولت در بیماری واگیردار کووید-۱۹ در پرتو آرای قضایی

مهدی امید^۱ , محمدحسین جعفری^{۱*} , روح الله بخت جو^۲

۱. گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تفت، دانشگاه آزاد اسلامی، تفت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انسان، یعنی سلامت و حیات را از انسان سلب می‌نمایند و این قابلیت را دارند از یک منطقه شروع و به یک‌باره جهان را در بر بگیرند. شیوع بیماری‌های واگیردار خسارات زیادی به دنبال دارد. کشور ایران از گذشته تاکنون شاهد شیوع بیماری‌های واگیردار مختلفی بوده که آسیب‌های جانی و مالی بسیاری را به مردم وارد نموده است. دولت به موجب مسئولیت مدنی که در برابر شهروندان دارد می‌بایست زندگی را تا حد ممکن با دوران قبل از شیوع ویروس برابر کند، شیوع بیماری کووید-۱۹ به عنوان یک بیماری واگیردار و بحران جهانی، چالش‌های متعددی را در حوزه‌های مختلف، از جمله حقوق و مسئولیت مدنی دولت‌ها ایجاد کرده است.

روش: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی تطبیقی، مبانی نظری (سنتی و نوین)، مستندات قانونی (قانون اساسی و قوانین مدیریت بحران) و رویه قضایی ملی و بین‌المللی را در زمینه مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات پاندمی کووید-۱۹ واکاوی می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: تحلیل‌ها نشان می‌دهد که نظریه‌های سنتی «تقصیر» و «خطر» به دلیل دشواری اثبات رابطه علیت و ماهیت طبیعی ویروس، برای جبران خسارات جمعی پاندمی ناکارآمدند. در مقابل، نظریه‌های نوین، مانند «دولت مسئول» و «همبستگی اجتماعی» که بر تکالیف مثبت دولت، اصل لاضرر و ضمان بیت‌المال استوارند، مبنایی منصفانه‌تر برای مسئولیت‌پذیری ارائه می‌دهند. همچنین رویه قضایی ایران و جهان نشان‌دهنده گذار از مسئولیت مبتنی بر تقصیر فردی به سمت مسئولیت سیستماتیک و جبران خسارت از محل بودجه عمومی است.

نتیجه‌گیری: در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که مبنای صحیح و عادلانه برای مسئولیت دولت در حوادث قهری و پاندمیک، «نظریه دولت مسئول» است؛ نظریه‌ای که مسئولیت را نه بر پایه تقصیر، بلکه بر عهده‌داری دولت در حفظ جان و مال شهروندان و توزیع عادلانه هزینه‌ها استوار می‌سازد. برای اجرای عملی این اصل، پیشنهاد می‌شود قوانین خاصی برای تعیین سقف جبران خسارت تدوین شده و «صندوق ملی جبران خسارات پاندمیک» از محل درآمدهای عمومی تأسیس گردد تا مکانیزمی سریع و عادلانه برای جبران زیان‌دیدگان فراهم شود.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی دولت؛ بیماری کووید-۱۹؛ مسئولیت دولت در رویه قضایی؛ نظریه دولت متعارف و مسئول

نویسنده مسئول: محمدحسین جعفری؛ پست الکترونیک: Wakeel@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۰۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Omidi M, Jafari MH, Bakhtjoo R. State Civil Liability in Relation to the COVID-19 Pandemic in Light of Judicial Decisions. Medical Law Journal. 2026; 20: e10.

مقدمه

قرن بیست و یکم، با ظهور بحران‌های بی سابقه بهداشتی، چالش‌های نوینی را در نظام‌های حقوقی کشورهای جهان پدید آورده است. همه‌گیری ویروس کرونا (کووید-۱۹) به عنوان یک رویداد غیر مترقبه جهانی (Global Unforeseen Event)، پرسش‌های بنیادین حقوقی را در باب حدود مسئولیت دولت‌ها در قبال خسارات ناشی از این بحران‌ها مطرح نمود. پاندومی کووید-۱۹ با ماهیت پیچیده، گستردگی و تأثیرات عمیق بر حق حیات و سلامت شهروندان، مرزهای سنتی مسئولیت مدنی دولت را به چالش کشیده است. تنها سازمانی که قدرت و الزام به جبران خسارت دارد، دولت است. از سوی دیگر، رویه قضایی بین‌المللی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده گرایش به سمت پذیرش مسئولیت مطلق یا مسئولیت ناشی از نقض تعهد به نتیجه در تأمین سلامت عمومی است. این تحول نشان می‌دهد که دولت‌ها دیگر نمی‌توانند صرفاً با استناد به «عدم تقصیر» از جبران خسارات شانه خالی کنند، بلکه ملزم به اثبات اتخاذ تمامی تدابیر معقول و استاندارد در مدیریت بحران هستند. بنابراین هدف این پژوهش شناسایی مبانی حقوقی و فقهی مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارات کووید-۱۹ و ارائه الگویی کارآمد برای پرکردن خلأهای موجود در نظام حقوقی ایران است.

سؤال اصلی پژوهش آن است که مبانی حقوقی و نظریه‌های حاکم بر مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارات ناشی از بیماری واگیردار کووید-۱۹ کدامند؟ کدام یک از نظریه‌های نوین، مانند نظریه دولت مسئول، تضمین حق یا همبستگی اجتماعی مبنای منطقی‌تری برای الزام دولت به جبران خسارات غیر مستقیم ارائه می‌دهند؟ رویه قضایی داخلی و بین‌المللی چه الگویی را ترسیم کرده است؟ قطعاً پاسخ به سؤالات بالا، ضمن نقد و بررسی مبانی نظری، راهکارهایی عملی برای اصلاح قوانین و رویه قضایی ایران در مواجهه با بحران‌های بهداشتی آینده ارائه خواهد داد.

روش

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی تطبیقی، مبانی نظری (سنتی و نوین)، مستندات قانونی (قانون اساسی و قوانین مدیریت بحران) و رویه قضایی ملی و بین‌المللی را در زمینه مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات پاندومی کووید-۱۹ واکاوی می‌کند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که نظریه‌های سنتی «تقصیر» و «خطر» به دلیل دشواری اثبات رابطه علیت و ماهیت طبیعی ویروس، برای جبران خسارات جمعی پاندومی ناکارآمدند. در مقابل، نظریه‌های نوین، مانند «دولت مسئول» و «همبستگی اجتماعی» که بر تکالیف مثبت دولت، اصل لاضرر و ضمان بیت‌المال استوارند، مبنایی منصفانه‌تر برای مسئولیت‌پذیری ارائه می‌دهند. همچنین رویه قضایی ایران و جهان نشان‌دهنده گذار از مسئولیت مبتنی بر تقصیر فردی به سمت مسئولیت سیستماتیک و جبران خسارت از محل بودجه عمومی است.

بحث

۱. معناشناسی و ترمینولوژی حقوقی

۱-۱. معنی دولت و تمایز آن با حکومت و حکمرانی: مفهوم دولت از ریشه انگلیسی «State» و آن هم از ریشه لاتین «Stare» به معنای ایستادن و به صورت دقیق‌تر از واژه «Status» به معنای وضع مستقر و پا بر جا اخذ شده است (۱). سه رکن اساسی، اعمال حاکمیت می‌کند ارکان سه‌گانه سرزمین، جمعیت یا گروه‌هایی از مردم در داخل مرزها و ارکان یا سازمانی برای تأمین امنیت اجتماعی، شکل‌دهنده دولت هستند (۲). ژان بدن (Jean Bodin) در تعریف خود می‌گوید: دولت عبارت از حکومت قانونی چندین خانوار و کلیه

اداری مسئولیت مدنی دولت، ایجاد صلاحیت پرداخت غرامت برای دولت است و ایجاد صلاحیت از هر نوع و به هر شکل که باشد، تنها به موجب قانون خواهد بود (۱۱).

۳-۱. **حادثه قهری:** حوادث قهری که در فرانسه به «فورس ماژور» Force Majeure و در حقوق انگلیس به «عمل خدا» Act of God تعبیر شده (۱۲). این واژه در حقوق کشور ما با واژه فورس ماژور یا با واژه‌های معادل، مانند قوه قاهره یا قوه قهریه به کار برده شده است. برخی دیگر نیز، قوه قهریه را حادثه‌ای بی نام می‌دانند که ناشی از فعالیت هیچ کس نیست (۱۳). برخی نویسندگان بلایای طبیعی را مترادف حوادث قهری دانسته و در تعریف آن گفته‌اند: «بلای طبیعی عبارت است از حادثه‌ای غیر قابل پیش‌بینی، غیر قابل اجتناب و غیر قابل انتساب حدوثاً و نتیجتاً» و معتقدند حوادثی هستند که به فعل یا ترک فعل دولت نتوان نسبت داد (۱۴).

۴-۱. **شناخت بیماری کووید-۱۹:** کرونا ویروس، از واژه لاتین «Corona» به معنی «تاج» مشتق شده و این کلمه اولین بار در سال ۱۹۸۶ توسط گروهی ویروس‌شناس در نشریه «نیچر» برای این خانواده جدید از ویروس‌ها به کار رفت (۱۵). کووید-۱۹ یک بیماری عفونی است که توسط نوعی ویروس کرونا به نام SARS-CoV-2 ایجاد می‌شود. سازمان بهداشت جهانی نام رسمی این بیماری را COVID-19 گذاشت. کووید-۱۹ یک بیماری ناشی از ویروس کرونا است که عمدتاً سیستم تنفسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اصلی‌ترین راه انتقال ویروس از طریق قطرات تنفسی است که هنگام سرفه، عطسه، صحبت کردن یا تنفس فرد آلوده در هوا پخش می‌شوند.

۲. **مبنای جبران خسارت از سوی دولت در بیماری کووید-۱۹:** سابقه «مصونیت» دولت‌ها در گذشته به نظام سلطنتی که در آن پادشاه قابل پیگرد قضایی و قانونی نبود بر می‌گشت، اما با گذشت زمان و پرسشگری شهروندان در این زمینه که چرا ما باید مالیات بدهیم، خراج بپردازیم، اما دولت مسئول جبران خسارت نباشد؛ ایده «مصونیت دولت» را به «مسئولیت دولت» تعدیل نمود (۱۶).

متعلقات مشترک ایشان به همراه یک حاکمیت فائقه است (۳). مفهوم حکومت از واژه انگلیسی «Government» به معنای فرمان‌فرمایی، حکمرانی و اداره گرفته شده است (۴). حکومت مجموعه دستگاه اداری سیاسی و انتظامی است که قوه مجریه را شکل می‌دهد. همچنین حکمرانی از واژه انگلیسی «Governance» گرفته شده است. حکمرانی خوب مفهوم جدیدی از دولت است که به فرآیندهای نوین اداره امور عمومی اشاره دارد و تغییراتی در نقش دولت به وجود آورده و روش جدیدی برای اداره دولت ارائه کرده است (۵).

۲-۱. **مفهوم مسئولیت مدنی دولت:** حقوقدانان مسئولیت مدنی را از حیث مبنایی در سه حالت، تعریف کرده‌اند: بر اساس تعاریف «عامل بنیان»، مسئولیت مدنی را بر مبنای «اشتباه» یا «تقصیر» و «نقض تکلیف یا تعهد قانونی» تعریف کرده‌اند. کوک حقوقدان انگلیسی مسئولیت مدنی را «اشتباهی حقوقی می‌داند که نسبت به منافع حمایت شده قانونی اشخاص، واقع می‌گردد» (۶)؛ حالت دوم، تعاریف «اثر بنیان» است که منظور تعاریفی هستند که اثر مسئولیت، یعنی الزام و تعهد را مقدم بر عامل ایجادکننده مسئولیت مطرح کرده و گاه تنها همین عنصر را منهای عامل ایجادکننده مسئولیت، محور تعریف قرار داده‌اند. در آخرین حالت تعاریف «حق بنیان» قرار دارند، که مسئولیت مدنی را به عنوان تابعی از گفتمان حقا مورد توجه قرار می‌دهند. پیتز شاک مسئولیت مدنی را به عنوان نظام حق و تکلیف تعریف می‌کند (۷).

در زمینه بیماری کووید-۱۹، مسئولیت مدنی دولت شامل مواردی، مانند تأخیر در اعلام وضعیت اضطراری، کمبود تجهیزات پزشکی و نقض حقوق بیماران می‌شود (۸). به عبارت دیگر مسئولیت مدنی دولت الزام دولت نسبت به شخص زیان‌دیده در پرداخت غرامت که ناشی از عمل غیر قانونی منتسب به دولت و یا تکالیف دولت است، به پرداخت غرامت زیان‌دیده که به موجب قانون مقرر گردیده است (۹).

اما امروزه باید گفت که در مسئولیت مدنی دولت، الزام - مسئولیت - یا عدم الزام - مصونیت - دولت به پرداخت غرامت به وسیله قانون مشخص می‌شود (۱۰) بر این اساس در حقوق

۱-۲. نظریه‌های سنتی معمول

۱-۱-۲. نظریه تقصیر؛ چالش‌های اعمال در پاندومی

کرونا: نظریه تقصیر در روابط خصوصی کارایی بالایی دارد، اما در مواجهه با بحران‌های غیر قابل پیش‌بینی، مانند پاندومی کووید-۱۹، با موانع جدی و ساختاری رو به رو می‌شود که سه ایراد بنیادین به اعمال نظریه تقصیر در مسئولیت دولت در قبال پاندومی‌ها عبارتند از:

۱- دشواری اثبات رابطه علیت در خسارات جمعی و چند عاملی، زیرا یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در دعاوی ناشی از کووید-۱۹، اثبات رابطه علیت مستقیم و انحصاری میان «قصور دولت» و «خسارت وارده به فرد» است. از یک سو، ابتلا به ویروس کووید-۱۹ و شدت بیماری آن، تنها تابع سیاست‌های دولت نیست، بلکه تحت تأثیر متغیرهای پیچیده‌ای، مانند سن، وضعیت ژنتیکی، بیماری‌های زمینه‌ای، رفتارهای فردی (رعایت پروتکل‌ها) و تراکم جمعیتی است. تفکیک «نقص سیستم بهداشتی دولت» از «عوامل شخصی زیان‌دیده» از نظر علمی و حقوقی بسیار دشوار است (۱۷) و از سوی دیگر در پاندومی‌ها، خسارت متوجه «جمعیت» است، نه افراد خاص.

۲- ابهام در مفهوم تقصیر در سطح کلان و تصمیم‌گیری‌های سیاسی - بهداشتی ایراد دوم است چون نظریه تقصیر برای ارزیابی رفتار اشخاص حقیقی یا کارمندان خرد طراحی شده است، اما مدیریت یک پاندومی ملی در سطح سیاست‌گذاری کلان قرار دارد، اما آیا می‌توان کل «سیستم سلامت» یا «دولت» را به دلیل کمبود تخت یا دستگاه تنفسی در اوج بحران، مقصر دانست؟ وقتی منابع محدود هستند و تقاضا بیش از عرضه است، آیا این «کمبود» به معنای «تقصیر» است یا یک «شرایط اضطراری اجتناب‌ناپذیر؟» نظریه تقصیر در اینجا دچار ابهام مفهومی می‌شود و نمی‌توان مرز دقیقی میان «قصور مدیریتی» و «فقدان منابع» کشید (۱۸).

۳- ناکارآمدی نظریه تقصیر در جبران خسارات معنوی و غیر مستقیم آخرین ایراد این نظریه است بدین شرح که پاندومی کووید-۱۹ خساراتی فراتر از مرگ و میر جسمانی ایجاد کرد؛ خساراتی، مانند از دست‌دادن شغل. به علاوه، نظریه تقصیر

سنتی معمولاً بر جبران خسارات مستقیم و قابل پیش‌بینی تمرکز دارد، اما خسارات ناشی از بسته‌شدن مشاغل یا تعطیلی مدارس، اگرچه ناشی از تصمیمات دولت برای کنترل ویروس هستند، اما از نظر حقوقی اغلب به عنوان خسارات اقتصادی محض یا خسارات غیر مستقیم طبقه‌بندی می‌شوند که جبران آن‌ها در چهارچوب تقصیر دشوار است. بنابراین نظریه تقصیر نمی‌تواند مبنای مناسبی برای جبران این دسته از خسارات باشد. نظریه تقصیر به دلیل پیچیدگی اثبات رابطه علیت، ابهام در تعریف تقصیر در تصمیمات کلان و عدم توانایی در پوشش خسارات گسترده و غیر مستقیم، به تنهایی برای توجیه مسئولیت دولت در پاندومی‌های بهداشتی ناکافی است (۱۹).

۲-۱-۲. تحلیل انتقادی نظریه خطر: امکان‌سنجی در

پاندومی کرونا: نظریه خطر که ریشه در اندیشه‌های حقوقدانانی چون لئون دوگی (Léon Duguit) دارد رکن «تقصیر» را حذف کرده و بر «ایجاد خطر» و «رابطه سببیت» تمرکز دارد. در مواجهه با بحران‌های بهداشتی، مانند کووید-۱۹، این نظریه گاهی به عنوان راهکاری برای عبور از موانع اثبات تقصیر مطرح می‌شود.

محور اصلی نظریه خطر این است که دولت یا نهاد عمومی، فعالیتی را آغاز کند که ذاتاً خطرناک باشد. در چنین مواردی، دولت بابت خطری که ایجاد کرده، مسئول است، اما در مورد کووید-۱۹، این پیش‌فرض با این مشکل مواجه است که ویروس کرونا یک عامل بیولوژیکی طبیعی یا ناشی از جهش ویروسی در طبیعت است، نه محصولی از سیاست‌گذاری یا فعالیت صنعتی دولت. دولت، ویروس را «ایجاد» نکرده است؛ بلکه با «مدیریت» آن رو به رو بوده است. بنابراین انتساب مفهوم «ایجاد خطر» به دولت در این پرونده، از نظر منطقی و حقوقی صحیح نیست. دولت مسئول خطر ناشی از «فعالیت‌های خطرناک» خود است، نه خطر ناشی از «حادثه طبیعی» که بر آن مسلط است. نظریه خطر زمانی کاربرد دارد که خطر، ذات فعالیت باشد، اما شیوع ویروس، ذات فعالیت‌های اداری یا خدمات درمانی دولت نیست.

چالش بعدی نظریه آن است که حتی اگر فرض کنیم که دولت با تأخیر در واکنش، نوعی «خطر» را تشدید کرده است، نظریه خطر همچنان نیازمند اثبات رابطه سببیت میان «فعالیت خطرناک دولت» و «خسارت وارده» است. در پاندومی، زنجیره انتقال ویروس بسیار طولانی و پیچیده است. اثبات اینکه اگر دولت یک هفته سریع‌تر قرنطینه را اجرا می‌کرد، مرگ یک بیمار خاص رخ نمی‌داد، همچنان دشوار است. نظریه خطر، بار اثبات تقصیر را برمی‌دارد، اما بار اثبات «رابطه سببیت» را حذف نمی‌کند. در حوادثی که عامل آن ویروس است، تشخیص اینکه زیان ناشی از «نقص مدیریت دولت» است یا «طبیعت ویروس»، بسیار دشوار می‌ماند.

بنابراین نظریه خطر اگرچه راهی برای دورزدن مشکل «اثبات تقصیر» است، اما به دلیل عدم انطباق ماهیت ویروس با مفهوم «فعالیت خطرناک» و دشواری اثبات رابطه سببیت در زنجیره‌های طولانی انتقال بیماری، به تنهایی نمی‌تواند مبنای محکمی برای مسئولیت دولت در کووید-۱۹ باشد. این نظریه بیشتر برای حوادث صنعتی و فناوری مناسب است تا بحران‌های بیولوژیکی طبیعی. بنابراین نیاز به نظریه‌ای داریم که بر «تعهدات مثبت دولت» و «حقوق شهروندی» متمرکز باشد، نه بر ایجاد خطر.

۱-۳. نظریه تضمین حق: گذار از تقصیر به تضمین حق: نظریه تضمین حق (Guarantee of Rights Theory)، توسط حقوق‌دانانی چون بوریس استارک (Boris Starck) توسعه یافته است، هر شهروند حق دارد در جامعه‌ای با امنیت و سلامت زندگی کند و دولت متعهد به «تضمین» این حق است. در بستر پاندومی کووید-۱۹، این نظریه پتانسیل بالایی برای توجیه مسئولیت دولت دارد، اما همچنان با چالش‌های نظری و اجرایی زیر رو به روست، از جمله اینکه آیا حق بنیادین شهروندان مثل حق حیات، سلامت و امنیت تضییع شده است؟ این نظریه استدلال می‌کند که حق حیات و سلامت، یک حق مطلق و غیر قابل سلب است. وقتی پاندومی منجر به مرگ یا بیماری می‌شود، این «نتیجه» (تضییع حق) مهم‌تر از «علت» (تقصیر دولت) است.

دولت نه تنها مکلف است به دیگران آسیب نرساند (تکلیف منفی)، بلکه مکلف است شرایطی را فراهم کند که شهروندان در امان باشند (تکلیف مثبت). در پاندومی، این تکلیف مثبت شامل تأمین تجهیزات، اطلاعات شفاف و خدمات درمانی به موقع است. نقص در هر یک از این موارد، نقض «تضمین حق» محسوب می‌شود، فارغ از اینکه تقصیر شخصی در میان باشد یا خیر. کافی است ثابت شود که «دولت در ارائه حداقل خدمات امنیتی و درمانی قصور داشته است» و این قصور منجر به تشدید وضعیت یا عدم دسترسی به درمان شده است. این بار اثبات را از دوش زیان‌دیده برداشته و بر عهده دولت می‌گذارد که ثابت کند تمام تدابیر لازم را اتخاذ کرده است.

آیا تضمین حق به معنای «تضمین نتیجه» (نتیجه‌گرایی مطلق) است یا «تضمین تلاش معقول» (تعهد به وسیله؟) در حقوق مدرن، گرایش به سمت «تعهد به وسیله» است، یعنی دولت متعهد است بهترین تلاش ممکن را با منابع موجود انجام دهد، نه اینکه ضامن صفر بودن مرگ و میر باشد.

در شرایط بحران و کمبود منابع، تعیین اینکه چه سطحی از خدمات بهداشتی، «حداقل استاندارد» یا «تضمین حق» محسوب می‌شود، دشوار است. آیا کمبود یک دستگاه تنفسی در یک بیمارستان شلوغ، نقض تضمین حق است یا یک «شرایط اضطراری اجتناب‌ناپذیر»؟

تضمین حق، تقصیر را حذف نمی‌کند، بلکه آن را در یک چهارچوب گسترده‌تر از «تخلّف از تعهدات عمومی» قرار می‌دهد. تضمین حق بر «حق شهروند» متمرکز دارد، نه بر «خطر ایجادشده توسط دولت». بنابراین حتی اگر دولت ویروس را ایجاد نکرده باشد، اگر در «حفاظت از حق حیات» قصور کند، مسئول است. با این حال، برای جلوگیری از مسئولیت بی پایان، باید این نظریه را به صورت تضمین تلاش معقول تفسیر کرد، نه «تضمین نتیجه مطلق» (۲۰).

۲-۲. نظریه‌های مبتنی بر حقوق عمومی: ابزارگرایی یا پیامدگرایی به این معنی است که حقوق مسئولیت مدنی برای رسیدن به اهداف آن شکل گرفته و چنانچه نتواند به آن اهداف برسد باید به دنبال راه حل جایگزین آن بود. بنابراین

هستند و مورد اجماع فقها و حکمای اسلامی بوده و شامل حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال می‌شود (۲۲).

۲-۲-۲. **نظریه دولت بیمه‌گر:** این نظریه را ابتدا موريس هوریو پیشنهاد داد. به اعتقاد او همه مردم در برابر اعمال زیان‌بارتر دولت باید بیمه شوند. بر طبق این دیدگاه تقصیر از مسئولیت دولت حذف شد چون دولت مستقیم و غیر مستقیم از مردم مالیات دریافت می‌کند بیمه‌گر آن‌ها به حساب می‌آید و مسئولیت دارد، لذا برای اثبات مسئولیت دولت نیاز به اثبات تقصیر نیست و دولت باید مثل یک بیمه‌گر خسارات وارده ناشی از حوادث قهری را جبران کند. همچنین دولت با انعقاد قرارداد بیمه با مردم مکلف به جبران زیان وارده به آن‌ها که در اثر حوادث قهری روی داده می‌باشد. این جبران به شیوه ترمیم خسارات است (۲۳). علت دیگر گرایش به این نظریه آن است که دولت از درآمدهای حاصل از ثروتهای طبیعی برخوردار است، زیرا مالکیت منابع طبیعی به افراد جامعه تعلق دارد و دولت به نمایندگی از آحاد جامعه حفاظت و مدیریت این ثروت عمومی را بر عهده داشته، لذا دولت مکلف به بیمه‌نمودن مردم در برابر این‌گونه حوادث طبیعی است.

اولین ایراد این نظریه آن است که اگر منبع این نظریه را ثروتهای ملی بدانیم تعیین سهم هر فرد از منابع ملی دشوار و سخت است، زیرا منابع ملی به همه افراد جامعه تعلق دارد و جبران خسارت توسط دولت به فردی بیش از سهم خود تساوی در استفاده از این منابع ثروت را از بین می‌برد؛ دومین ایراد پایان‌یافتن منابع طبیعی است، به گونه‌ای که آیندگان بهره‌ای و نصیبی از این منابع نخواهند برد و این امر در تضاد با برابری نسل‌ها در استفاده از ثروتهای عمومی است؛ سومین ایراد نیز آن است که بیمه تنها شامل اتباع همان کشور خواهد شد و تنها زیان‌دیدگانی که تبعه دولت هستند را دربر می‌گیرد؛ چهارمین ایراد اینکه هیچ قراردادی مبنی بر وجود عقد بیمه بین دولت و شهروندان متصور نیست و قرارداد مذکور وجود خارجی ندارد.

۲-۲-۳. **نظریه تضمین مشروعیت:** مبنای نظریه تضمین مشروعیت، رعایت حقوق افراد جامعه و تضمین حقوق شهروندان

بر خلاف نظریه‌های متداول و سنتی پیش گفته که بیشتر از دیدگاه عدالت بین طرفین و حقوق خصوصی به مبنای مسئولیت مدنی در این قبیل حوادث پرداخته بود اما در نظریه‌های ابزارگرا بیشتر به تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه حقوق عمومی توجه می‌شود (۲۱).

۲-۲-۱. **نظریات مبتنی بر منفعت و مصلحت عمومی:** منفعت عمومی یکی از مفاهیم کلیدی در نظریات سیاسی و حقوق عمومی، به ویژه در حوزه حقوق اداری، محسوب می‌شود که بر اساس سه اندیشه، شامل قدرت عمومی که با هدف ایجاد نظم و آرامش عمومی در جامعه است و اندیشه خدمت عمومی با هدف رفع نیازهای عمومی افراد جامعه و نهایتاً اندیشه منفعت عمومی با هدف نفع عموم جامعه ایجاد شده است. نظریه مصلحت عمومی مربوط به اعمال اداری است، در حالی که مسئولیت دولت در بعد حاکمیتی مقصود ماست. دولت الزام به ارائه خدماتی مطلوب، مستمر و مؤثر به طور دائمی به شهروندان خود دارد که این خدمات به خودی خود وضعیت منافع مادی و معنوی انسان را تضمین، تأمین و ارتقا می‌دهند، نظریه مصلحت عمومی به این‌گونه الزام دولت در ارائه خدمات اشاره دارد. حوادث قهری امکان استفاده از این خدمات مستمر را قطع می‌کند و عملاً امکان انتفاع از این خدمت عمومی غیر ممکن می‌شود. از سوی دیگر گفتیم که دولت وظیفه دارد تا خدمات عمومی مستمر و مطلوب را به افراد جامعه ارائه دهد از دیدگاه این نظریه رفع نیازهای عمومی و امنیت و نظم عمومی و همچنین منافع افراد جامعه از الزامات و تکالیف دولت است که با حدوث یک عامل قهری مختل گردیده است، لذا بر طبق این دیدگاه مسئولیت مدنی دولت در حوادث طبیعی به خاطر قطع خدمات عمومی و اختلال در خدمت‌رسانی دولت به زیان‌دیدگان ناشی از این‌گونه حوادث است.

در اندیشه دینی، هر نوع نفعی به تنهایی مطلوب شارع (شریعت) قرار نمی‌گیرد؛ این منافع به طور کلی در مفاهیمی، مانند «مصالح خمس» یا «مقاصد شریعت» قابل شناسایی

توزیع شود. مطابق قاعده انصاف و اخلاق است. چون یا خسارت باید بر فرد زیان‌دیده تحمیل شود یا دولت به نمایندگی از عموم مردم آن را بپردازد که با توزیع خسارت بر شهروندان و پرداخت از سوی دولت، منصفانه به نظر می‌رسد (۲۴). با پذیرش این نظریه عنصر تقصیر از ارکان مسئولیت دولت خارج شده و همین که بر اثر فعالیت دولت ناشی از اعمال حاکمیتی یا تصدی خسارتی به فردی وارد شود برای مسئولیت دولت کافی است.

۲-۳. نظریه‌های نوین مبتنی بر مسئولیت جمعی

۲-۳-۱. نظریه همبستگی اجتماعی: امروزه با افول خورشید مسئولیت‌های فردی، خسارت‌های جمعی، مانند خسارات ناشی از بیماری کووید-۱۹ در حال گسترش است و طرح مسئولیت دولت باید جمعی و بر اساس همبستگی و تعاون ملی باشد. در فقه نیز مسئولیت بیت‌المال یا دولت مبتنی بر نوعی تعاون اجتماعی یا مبتنی بر نوعی مواسات و یاری‌رساندن به اشخاص نیازمند چنین حمایت‌هایی است تا از تضییع حق زیان‌دیده جلوگیری شود، زیرا خون و مال حرمت دارد. بنابراین مسئولیت دولت از باب همبستگی اجتماعی و عدالت توزیعی نیز قابل بررسی است. چنانچه دولت تدابیر لازم و کافی در جلوگیری از وقوع یا شیوع خطری اتخاذ نکرده است، چرا در مسئولیت وی باید تردید نمود (۲۵). همبستگی اجتماعی به عنوان مکانیسم جبران می‌تواند در حوادثی که خسارت متوجه عموم است و مسئولیت فردی پاسخگو نیست مؤثر باشد. دولت به نمایندگی از کل جامعه، از طریق بودجه عمومی (بیت‌المال)، خسارات را جبران می‌کند. این رویکرد، بار سنگین خسارت را از دوش افراد آسیب‌دیده بر می‌دارد و آن را بر دوش کل جامعه از طریق مالیات و منابع عمومی تقسیم می‌کند. این اصل، مبتنی بر عدالت توزیعی است که بر اساس آن، کسانی که از ثروت و امنیت ملی بهره‌مند هستند، در برابر خسارات ناشی از ناکارآمدی سیستم نیز مسئولیت تضامنی دارند.

حقوق همبستگی اجتماعی برای جبران خسارات ناشی از حوادث طبیعی ما را از توسل به مسئولیت فردی جدا کرده و

است و دولت با رعایت این تعهد مشروعیت خود را تضمین می‌کند، زیرا تکلیف دولت به تأمین حقوق ملت است، ملتی که با قدرت خود به دولت مشروعیت بخشیده‌اند. بنابراین دولت مکلف به فراهم کردن امکانات برای شهروندان تحت حکومت خود است، پس دولت با جبران خسارات ناشی از بلایای طبیعی و معاضدت و کمک‌رسانی در کاهش حداقلی آثار زیان‌بار این‌گونه حوادث و افزایش حداکثری ترمیم خسارات حاصله، مشروعیت خود را تضمین می‌کند.

دولت قدرت خود را چون طبق یک قرارداد اجتماعی از مردم اخذ می‌کند، لذا نسبت به آن‌ها تکالیفی بر عهده دارد. انسان‌ها حداقل در تأمین نیازهای اساسی و اولیه خود برابرند و حداقل نیازهای انسان مربوط به حق حیات آدمیان است، لذا محدوده مسئولیت دولت در جبران حوادث قهری به تضمین همیشگی حق حیات خلاصه می‌شود، بدین ترتیب مسئولیت دولت در برابر اتباع یا بیگانگان در حوادث طبیعی یا بر جاست و بر طبق این نظریه دولت، دست به تفکیک تابعان خود از غیر تابعان نمی‌زند؛ سوم اینکه این اندیشه به جبران ترمیمی خسارات از سوی دولت گرایش دارد، یعنی جبران حداقلی زیان را مورد توجه قرار داده و معتقد است که مسئولیت مدنی دولت محدود به شرایط و حداقل امکاناتی است که فقط حق حیات مردم را تأمین و تضمین می‌کند.

۲-۲-۴. نظریه تساوی شهروندان در تحمل هزینه‌های

عمومی: اصل برابری شهروندان در برابر هزینه‌های عمومی همچون مالیات به عنوان یکی از حقوق مسلم مردم جامعه مورد پذیرش قرار گرفته است. مطابق این نظریه از آسیب‌دیدگانی که به خاطر منفعت همگانی متحمل خسارت شده‌اند جبران خسارت می‌شود و زیان‌های وارده بر آن‌ها که ناشی از اعمال دولت است، میان همه مردم تقسیم می‌شود.

مطابق این نظریه افراد جامعه نسبت به هزینه‌هایی که دولت برای تأمین منافع عمومی یا ایجاد و حفظ نظم در جامعه صرف می‌کند به تساوی عهده‌دار پرداخت هزینه‌ها هستند، منشأ این دیدگاه را باید در نظریه عدالت توزیعی جستجو کرد، زیرا بر طبق این نظریه کلیه خسارات باید میان اعضای جامعه

می‌گیرد. بنابراین در زمینه خسارات ناشی از حوادث طبیعی، این نظریه می‌تواند مبنای اصلی مسئولیت مدنی دولت را تشکیل می‌دهد و نیازی به اثبات تقصیر یا رابطه سببیت ندارد (۲۷).

۳-۳-۲. نظریه دولت متعارف: دولتی را متعارف می‌گویند که از کلیه ظرفیت‌ها و امکانات داخلی خود استفاده کرده و با توسل به توانمندی‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و با توجه به نوع و میزان رخدادن حوادث قهری اقدامات جامعی انجام دهد و کلیه پیش‌بینی‌های لازم در خصوص اولاً پیشگیری از حوادث مذکور؛ ثانیاً پیش‌بینی تدابیر کاهنده خطر و آسیب‌های ناشی از آن را به عمل آورد. با توجه به این مبنا، اقدامات و رفتار دولت در مواجهه با وقوع و گسترش آثار حوادث طبیعی با دولت متعارف مقایسه می‌شود.

به طور کلی، دولت متعارف به دولتی اشاره دارد که در طول زمان با لحاظ امکانات و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نرخ و نوع مخاطرات طبیعی، پیش‌بینی‌های لازم را برای جلوگیری از بروز حوادث و کاهش آثار آن‌ها انجام داده و برنامه منظم و منسجمی برای مدیریت آینده این مخاطرات دارد. «جنبه‌ی بازدارنده» به عنوان یک مؤلفه نسبتاً نوظهور به شمار می‌آید. اولین تعهد دولت متعارف پذیرش و قبول مسئولیت در قبال جلوگیری از ورود خسارت و دست کم به حداقل‌رساندن دامنه خطر حادث‌شده در بین شهروندان و کاستن از میزان خسارات احتمالی است در عرصه بین‌المللی شاخص ثابتی برای تجهیز دولت متعارف وجود ندارد؛ ثانیاً ملاکی برای تشخیص یک حادثه واقعاً قهری از حوادث غیر قهری وجود ندارد وظیفه دولت تنها پیشگیری و جلوگیری از گسترش خسارت حاصل از حوادث قهری که نظریه دولت متعارف آن را موضوع خود قرار داده نیست.

۴-۳-۲. نظریه دولت مسئول: نظام‌های حقوقی مدرن و فقه پویا به سمت پذیرش نظریه‌ای نوین به نام دولت مسئول (The Responsible State) حرکت کرده‌اند. این گذار، نه یک انتخاب سلیقه‌ای، بلکه پاسخی ضروری به ماهیت پیچیده بحران‌های جمعی، مانند پاندمی کووید-۱۹ است. در این

به سمت «مسئولیت اجتماعی» پیش می‌برد. همبستگی اجتماعی نوعی گرایش به تعاون اجتماعی و احساس مسئولیت در برابر این‌گونه زیان‌دیدگان از حوادث قهری است. این همبستگی در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به دو صورت وجود دارد: یکی حق برخورداری از سطح زندگی شایسته و دیگری حق برخورداری از حمایت‌های خاص نسبت به برخی احتمالات و اتفاقات ناگوار می‌باشد (۲۶).

۲-۳-۲. نظریه دولت رفاه: اصطلاح «دولت رفاه» برای نخستین بار توسط حکومت حزب کارگر در بریتانیا (۵۱-۱۹۴۵ م) معرفی شد. در این نظریه، دولت مسئولیت اصلی تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان را از طریق پرداخت مستمری‌ها، بیمه اجتماعی و خدمات بهداشتی رایگان و سایر اقدامات بر عهده می‌گیرد. دولت رفاه یک نظام است که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی وظیفه حقوقی نهادهای قدرتمند است. در این نظام اقتصادی، دولت به همه افرادی که به هر دلیلی قادر به تأمین هزینه‌های خود نیستند، کمک مالی ارائه می‌کند.

چنین دولتی مسئولیت دارد که برای همگان امکاناتی، از جمله زنگهواره تا گور، خدمات پرستاری و درمانی، بیمه در برابر بیماری و بیکاری، بازنشستگی، کمک‌های مالی به خانواده‌ها، مسکن و خدمات آموزشی و مشابه آن‌ها را فراهم کند. در واقع، دولت رفاه یک سیستم تأمینی است که زندگی را آسان‌تر می‌کند. با توجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان گفت که دولت رفاه نقش سیاست‌های سنجیده و هوشمند در تأمین حداقل استاندارد زندگی برای همه، افزایش برابری در فرصت‌های زندگی و تمرکز نهادهای رسمی بر ارائه خدمات عمومی را ایفا می‌کند.

امروزه، مسئولیت مدنی دولت به طور گسترده‌تری گسترش یافته و نسبت به خسارات ناشی از حوادث طبیعی و غیر منتظره نیز تسری یافته است. به عنوان مثال، در فرانسه، پس از حادثه انفجار یک واحد شیمیایی در «تولوز» در تاریخ سی ژوئیه سال ۲۰۰۳، قانونی تصویب شد که بر اساس آن، اگر افراد مورد آسیب جدی به دلیل حادثه، بیمه‌ای مناسب نداشته باشند، دولت مسئولیت جبران خسارت آن‌ها را بر عهده

رویکرد، دولت دیگر صرفاً یک حاکم مصون نیست، بلکه به عنوان ضامن نهایی سلامت و امنیت جامعه شناخته می‌شود که تعهدی فراتر از اجرای قانون دارد. بر طبق این نظریه انسان ابتدا باید زنده باشد سپس زندگی کند، لذا اگر نظریه دولت رفاه به نیازهای رفاهی و ثانوی مردمان جامعه توجه دارد، نظریه دولت مسئول مقدمه دولت رفاه خواهد بود. دولت مسئول حفظ و نگهداری از جان و مال و آبروی افراد جامعه می‌باشد و زندگی را شرط آسایش و رفاه‌داشتن مردم می‌داند. بر طبق این نظریه دولت از اصل مصونیت مسئولیت فاصله گرفته و به علت تغییر ساختار و سیاست‌ها و فرهنگ‌های جامعه باید سیاست‌های کلی خود را تدوین و روشن سازد.

دو قاعده کلیدی فقهی، مبنای شرعی و حقوقی برای نظریه دولت مسئول را فراهم می‌کنند:

۱- اگر قصور دولت در مدیریت بحران، مانند تأخیر در قرنطینه یا کمبود واکسن منجر به گسترش ویروس و تلفات انسانی شود، این امر مصداق بارز «ایجاد ضرر» است و طبق قاعده لاضرر، دولت که نماینده جامعه اسلامی است، موظف است از بروز این ضرر جلوگیری کند و در صورت وقوع، مسئولیت جبران آن را بپذیرد. امام خمینی (ره) در تبیین این قاعده تأکید دارند که حاکم اسلامی موظف است با استفاده از اختیارات حکومتی، از هرگونه ضرری که سلامت و جان مردم را تهدید می‌کند، جلوگیری نماید. فقیهان معاصر با تفسیر گسترده از این قاعده، آن را به مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات ناشی از حوادث غیر مترقبه تعمیم داده‌اند. به عبارت دیگر، دولت نمی‌تواند با استناد به «قوه قاهره» از مسئولیت شانه خالی کند، زیرا وظیفه ذاتی حکومت اسلامی، «سلب ضرر» از مردم است.

۲- دولت از طریق اخذ مالیات، خمس، زکات و عوارض، ثروت عظیمی را در اختیار دارد. (خرُج) بر اساس قاعده فقهی «الخراج بالضمان»، دولت که از ثروت عمومی بهره‌مند است، متعهد است امنیت و سلامت جان و مال مردم را تأمین کند. اگر به دلیل ناکارآمدی مدیریت، خسارتی به مردم وارد شود، دولت باید از همان بیت‌المال که از آن‌ها اخذ کرده، جبران

نماید. همچنین می‌توان به ضمان بیت‌المال اشاره کرد، زیرا در فقه امامیه، بیت‌المال نه تنها محل ذخیره درآمدهای عمومی است، بلکه ضامن حقوق مردم است. امام خمینی (ره) و بسیاری از فقهای معاصر، بر این باورند که در صورت بروز حوادثی، مانند سیل، زلزله یا بیماری‌های واگیردار که باعث تلفات یا خسارات مالی گسترده می‌شود، بیت‌المال موظف است از محل درآمدهای عمومی، به نیازمندان و زیان‌دیدگان کمک کند و خسارات آنان را جبران نماید. این رویکرد، مصداق عینی «نظریه همبستگی اجتماعی» در عمل است.

۲-۳-۴-۱. نظریه دولت مسئول اسلامی: تلفیق حقوق

مدرن با فقه: ترکیب نظریه «دولت مسئول» در حقوق مدرن با مفاهیم «لا ضرر» و «ضمان بیت‌المال» در فقه، مدلی منحصر به فرد را برای مسئولیت دولت در کووید-۱۹ ایجاد می‌کند؛ در این مدل، مسئولیت بدون تقصیر مطلق ملاک است بدین معنی که مسئولیت دولت ناشی از «نقص در انجام وظیفه ذاتی»، یعنی حفظ جان و مال انسان‌ها است، حتی اگر تقصیری اثبات نشود. همچنین جبران خسارت از بیت‌المال نه به عنوان یک «هدیه» یا «کمک بلاعوض»، بلکه به عنوان یک «حق» و «تکلیف شرعی و حقوقی» برای دولت تلقی می‌شود، البته مسئولیت دولت تنها به جبران خسارت پس از وقوع بحران محدود نمی‌شود، بلکه شامل «تکلیف پیشگیرانه» نیز می‌گردد. دولت موظف است با سرمایه‌گذاری در سیستم بهداشتی، از وقوع بحران‌های مشابه جلوگیری کند.

نتیجه آنکه، نظریه «دولت مسئول» با پشتوانه قواعد فقهی، کارآمدترین مبنای حقوقی برای توجیه مسئولیت دولت در پاندومی کووید-۱۹ است. این نظریه با حذف موانع اثبات تقصیر و تمرکز بر «تضمین امنیت و سلامت» به عنوان یک حق ذاتی شهروندان، راه را برای جبران سریع و عادلانه خسارات هموار می‌کند. بنابراین در نظام حقوقی ایران، مسئولیت دولت در قبال کووید-۱۹ را نباید در چهارچوب محدود قانون مسئولیت مدنی جستجو کرد، بلکه باید آن را در بستر «مسئولیت حکومتی» و «تکالیف شرعی دولت اسلامی» تحلیل نمود. دولت مسئول را باید گامی پیش‌تر از دولت رفاه

مدنی دولت در ارتباط با بحران بیماری کرونا می‌پردازیم تا نشان دهیم در چه شرایطی دولت مسئول جبران خسارات ناشی از این بیماری است.

۳-۱. قانون اساسی: مبنای مسئولیت و تکلیف شرعی - قانونی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین و بالاترین قانون حاکم بر کشور در اصل ۲۹ خود به این مهم اشاره کرده و می‌گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر... حوادث و سوانح... به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق، را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.»

اگر اصل ۲۹ را یک نوع سیاست‌گذاری کلی بدانیم و بگوییم تنها به سیاست‌های کلان اشاره کرده و برای مسئول دانستن دولت باید مجدداً قوانین مخصوصه در مجلس شورای اسلامی بر مبنای این اصل تصویب شود، با استناد به این اصل نمی‌توان دولت را مسئول دانست، اما چنانچه معتقد به این باشیم که حق مطالبه خسارت از دولت کاملاً مورد پذیرش قرار گرفته، دیگر نیاز به تصویب قوانین و مقررات خاص ندارد. عبارت «حق همگانی» نشان می‌دهد که تأمین اجتماعی یک «اعطای دولت» نیست، بلکه یک «حق ذاتی» شهروند است. بنابراین عدم تأمین آن در زمان بحران (کووید-۱۹)، نقض یک حق اساسی محسوب می‌شود. عبارت حوادث و سوانح، در قانون اساسی، مطلق است و هیچ استثنایی برای «بیماری‌های واگیردار» قائل نشده است. از آنجا که کووید-۱۹ به عنوان یک «فاجعه بهداشتی جهانی» شناخته شده، مشمول این اصل است. عبارت «دولت موظف است... از محل درآمدهای عمومی... تأمین کند»، دولت را به یک تعهد مالی مستقیم ملزم می‌سازد. این تعهد، فراتر از کمک‌های بلاعوض است و به معنای یک «تکلیف قانونی الزام‌آور» برای جبران خسارات وارده به شهروندان در اثر حوادث است. در جهت اجرایی شدن اصل ۲۹ قانون اساسی مقرراتی در ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت (مصوب ۱۳۸۰ ش.) اعمال شد.

محسوب داشت. نظریه دولت مسئول بر این باور است که ساختارها، سیاست‌ها، فرهنگ‌ها و حتی حوادث عوض شده‌اند و دولت‌ها نیز باید همگام با این تحولات، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان و پایدار خود را ارائه نمایند، در حالی که نظریه دولت رفاه یک گام پیشرفته در تحقق حقوق بنیادین بشر و نیل به عدالت محسوب می‌گردد، نظریه دولت مسئول، دولت را حامی جان و مال و ناموس کلیه شهروندان می‌شمارد و زندگی را شرط مقدم رفاه محسوب می‌کند. تئوری دولت رفاه فرسنگ‌ها دورتر از تئوری دولت مسئول قرار دارد و دولت مسئول، مقدمه دولت رفاه به شمار می‌آید.

تا دولتی مسئول قلمداد نشود خود را مؤظف به رعایت رفاه و آسایش و آرامش جامعه نمی‌داند این نظریه انعکاس واقعی «اجتماعی‌بودن» مفاهیم حقوقی و زیربنای بسیاری از تحلیل‌های فلسفی در خصوص نهادهای حقوقی به شمار می‌آید (۲۸). در تحلیل این موضوع، همچنان این سؤال اصلی مطرح می‌شود که: چرا دولت باید مسئول حوادث طبیعی باشد؟ پاسخ مطابق با نظریه دولت مسئول این است که حداقل در مورد حوادث طبیعی، چاره‌ای جز تحمیل مسئولیت بر جمع «آن هم به نمایندگی از دولت به عنوان بهترین گزینه ممکن» وجود ندارد.

پرداخت خسارات ناشی از حوادث طبیعی به دلیل میزان بالای خسارات ناشی از این‌گونه حوادث از عهده تک‌تک افراد جامعه خارج است و در توان مالی آن‌ها نیست، لذا ناچاراً دولت باید خود مسئولیت جبران خسارات وارده را بنماید.

حکومت اسلامی به دلیل مالیاتی که به مردم اضافه می‌کند و به دلیل عوارض و دیگر حقوقی که از مردم می‌گیرد مسئول جبران خسارات است. نظریه دولت مسئول بر این اصل استوار است که دولت به دلیل داشتن انحصار قدرت، منابع مالی گسترده و دسترسی به اطلاعات تخصصی، بهترین و تنها نهادی است که می‌تواند در برابر بحران‌های سیستمیک، مانند پاندومی‌ها پاسخگو باشد.

۳. مستندات حقوقی مسئولیت دولت ناشی از بیماری کووید-۱۹: در این قسمت به مستندات حقوقی مسئولیت

۳-۲. قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور (۱۳۸۷)

ش.): بر طبق ماده ۱ این قانون اصطلاح «بحران» عبارتست از: «شرایطی است که در اثر حوادث، رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی یا غیر قابل کنترل به وجود می‌آید و موجب ایجاد مشقت و سختی به یک مجموعه یا جامعه انسانی می‌گردد و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری فوری و فوق‌العاده دارد.» این تعریف به نظر می‌رسد اعم از حوادث قهری باشد، زیرا در آن به عملکردهای طبیعی و انسانی اشاره دارد.

این قانون برای مدیریت بحران چهار مرحله را بیان کرده است؛ نخست «پیشگیری» که با هدف جلوگیری از وقوع حوادث و یا کاهش آثار زیان‌بار آن سطح خطرپذیری جامعه را کاهش می‌دهد؛ دوم، «آمادگی» که منظور توانایی جامعه در انجام مراحل مختلف مدیریت است. سوم، «مقابله» است، یعنی اقدامات و خدمات اضطراری با هدف نجات جان و مال انسان‌ها و تأمین رفاه نسبی و جلوگیری از گسترش خسارات است. چهارم، «بازسازی و بازتوانی» است، که شامل اقدامات ضروری پس از وقوع بحران است که با هدف بازگرداندن وضعیت عادی به مناطق آسیب دیده است.

البته در نقد این نظر معتقدیم که رابطه دولت با مردم از قواعد حاکم بر روابط اشخاص تبعیت نمی‌کند و در رابطه با وظیفه‌ای که دولت در قبال شهروندان دارد، نباید به دنبال رابطه سببیت و علیت به عنوان ارکان مسئولیت مدنی باشیم که بگوییم چون رابطه سببیت بین فعل دولت و زیان وارده قابل شناسایی نیست رافع مطلق مسئولیت نسبت به زیان‌دیدگان است پس دولت مسئولیت ندارد. بنابراین چون مسئولیت قهری است و جنبه مالی دارد، دولت مسئولیت داشته و همین استدلال به آن رنگ و بوی مدنی می‌دهد

۳-۳. قانون مدیریت بحران (مصوب ۱۳۹۸ ش.): قانون

مدیریت بحران کشور که به منظور ارتقای توانمندی جامعه در پیشگیری از وقوع بحران‌ها و پاسخ مؤثر به آن‌ها و همچنین بازسازی و بازتوانی پس از وقوع بحران‌ها طراحی شده است، هدف از تصویب آن را ارتقای توانمندی جامعه در امور

پیش‌بینی و پیشگیری و کاهش خطر و آسیب‌پذیری و پاسخ مؤثر در برابر مخاطرات طبیعی، حوادث و بحران‌ها در حوزه حوادث و سوانح می‌داند. براساس ماده ۱۹ این قانون «دولت موظف است بنا به پیشنهاد سازمان و به منظور انجام نوسازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌های مسکونی شهری و روستایی بازسازی مناطق خسارت‌دیده و بازتوانی افراد آسیب‌دیده از حوادث و سوانح، اعتبارات مورد نیاز را در قالب کمک‌های بلاعوض و مابه‌التفاوت سود و کارمزد تسهیلات بانکی از طریق ردیف‌های پیش‌بینی‌شده در بودجه سالانه... پرداخت کند» در این ماده تکلیف دولت به جبران خسارت‌های ناشی از حوادث و سوانح، به صراحت پذیرفته شده است، البته باید حکم مذکور را یک حکم استثنایی تلقی کرد و دامنه آن را فقط محدود به زیان‌های قیدشده در ماده دانست و نه هر حادثه طبیعی دیگری. با این حال، مهم‌ترین نکته این است که دولت بر اساس این قانون در دو صورت مسئولیت خواهد داشت: اول، مسئولیت به حکم قانون و این حالت زمانی است که قانون به طور صریح دولت را موظف به اقدام در راستای جبران خسارات ناشی از بحران‌ها کند. از آنجا که بیماری کرونا یک بحران بزرگ به شمار می‌رود، مسئولیت دولت در جبران خسارت‌ها از طریق اعطای کمک‌های مالی برای بازسازی و بهبود وضعیت زندگی آسیب‌دیدگان کاملاً قابل اثبات است. در مورد بیماری کرونا، این ماده می‌تواند اثبات‌کننده مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از تعطیلی کسب و کارها، از دست‌دادن درآمدها و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از شیوع این بیماری استفاده شود.

دوم، مسئولیت در صورت تقصیر دولت: در این حالت، اگر دولت در انجام وظایف خود در مراحل مختلف مدیریت بحران، مانند پیشگیری، مقابله و بازسازی کوتاهی یا تقصیر کند، مسئول جبران خسارات است. برای مثال، اگر دولت در فراهم کردن امکانات بهداشتی و درمانی لازم برای مقابله با کرونا یا در اعمال سیاست‌های قرنطینه و کنترل شیوع کوتاهی کرده باشد، می‌توان دولت را مسئول زیان‌های ناشی از آن دانست.

برای اثبات مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از بیماری‌های واگیردار، مانند کووید-۱۹، باید نکات زیر بررسی شود: اولاً باید نشان داده شود که دولت به وظایف قانونی خود در مدیریت بحران، از جمله پیشگیری، مقابله و بازتوانی عمل نکرده یا به طور ناقص عمل کرده است؛ ثانیاً در صورتی که تقصیر دولت، مانند تأخیر در واکنش یا عدم رعایت پروتکل‌های لازم باعث گسترش بیماری و افزایش خسارات شده باشد، رابطه سببیت قابل اثبات است؛ ثالثاً در صورتی که ثابت شود سیاست‌گذاری‌های اشتباه و تصمیمات نادرست دولت موجب تشدید بحران شده است، می‌توان بر طبق اصول عام مسئولیت مدنی، دولت را مسئول دانست.

قدر متین آن است که دولت در «پرداخت غرامت» در خصوص بلایای طبیعی تکلیف دارد و به کاربرد عبارت «کمک‌های بلاعوض» در ماده از این تکلیف دولت نمی‌کاهد و هویت این تکلیف را تغییر نمی‌دهد.

نتیجه آنکه به خاطر تکالیفی که حتی در قانون مدیریت بحران بر دوش دولت گذاشته شده، در هر حال دولت موظف به انجام آن است و باید گفت، حدود مسئولیت دولت تنها در حد ترمیم خسارات خواهد بود نه جبران تمام ضررهای وارده.

۴. رویه قضایی ملی و بین‌المللی: بررسی مسئولیت مدنی دولت در مواجهه با بحران‌های بهداشتی، مانند کووید-۱۹، تنها با استناد به نص قانون یا تئوری‌های انتزاعی امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند تطبیق این مبانی با «رویه قضایی» است. در این قسمت، ابتدا به بررسی چالش‌ها و رویه قضایی داخلی ایران و سپس به تحلیل آرای شاخص بین‌المللی می‌پردازیم تا شاخص‌های عملی مسئولیت‌پذیری دولت استخراج گردد.

۴-۱. رویه قضایی داخلی ایران: چالش اثبات رابطه سببیت: در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی دولت عمدتاً بر مبنای قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قانون مدیریت بحران مصوب ۱۳۹۸ استوار است. با این حال رسیدگی به دعاوی ناشی از کووید-۱۹ با دو چالش بنیادین رو به رو بوده است: اول اینکه در پاندومی خسارت متوجه عموم جامعه می‌شود، نه افراد خاص؛ دوم آنکه قوانین موجود بیشتر بر

کمک‌های بلاعوض و مدیریت بحران تمرکز دارند تا جبران خسارت مدنی به معنای کلاسیک آن (۲۹)؛ ثانیاً، بررسی پایگاه‌های داده قضایی و آرای دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد که تاکنون دادگاه‌های ایران حکم صریحی مبنی بر محکومیت دولت به پرداخت غرامت کامل (Full Compensation) به بیماران فوت‌شده یا مصدومین کووید-۱۹ به استناد مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر صادر نکرده‌اند، زیرا دادگاه‌ها با استناد به شرایط بحرانی و محدودیت منابع، هرگونه اقدامی که توسط نهادهای بهداشتی در چهارچوب استانداردهای روز انجام شده را از شمول «تقصیر» خارج می‌دانند و دیگری، عدم وجود رابطه علیت قطعی است، زیرا اثبات اینکه مرگ یا بیماری یک فرد، مستقیماً و صرفاً به دلیل «تقصیر دولت» مثلاً تأخیر در واکسیناسیون یا کمبود تخت رخ داده، در پرونده‌های کوویدی بسیار دشوار است، زیرا عوامل ژنتیکی، سن و بیماری‌های زمینه‌ای نیز دخیل هستند (۳۰).

اگرچه در پرونده‌های مرگ و میر مستقیم، حکم مسئولیت صادر نشده، اما رویه قضایی در مواردی که منجر به نقص شدید امکانات درمانی شده است، نگاهی متفاوت داشته است. در برخی پرونده‌های مرتبط با آلودگی‌های زیست‌محیطی و حوادث بهداشتی مشابه، دادگاه‌ها زمانی دولت را مسئول دانسته‌اند که دولت از ارائه اطلاعات شفاف و به‌موقع خودداری کرده باشد و حق دسترسی شهروندان به اطلاعات نقض شده باشد و در تأمین تجهیزات پیش‌دستانه، مانند دستگاه‌های تنفسی یا واکسن قصور آشکار و خلاف استانداردهای پذیرفته‌شده داشته باشد (۳۱). بنابراین رویه فعلی دادگاه‌های ایران را می‌توان یک رویه محافظه‌کارانه توصیف کرد که در آن، مسئولیت دولت زمانی محقق می‌شود که تقصیر فردی مثل قصور پزشک یا مسئول بیمارستان اثبات گردد، نه لزوماً «تقصیر سیستماتیک دولت». با این حال، با توجه به اصل ۲۹ قانون اساسی، می‌توان استدلال کرد که دادگاه‌ها باید از تفکر سنتی «مسئولیت تقصیر» به سمت تفکر «مسئولیت اجتماعی» حرکت کنند و به جای تمرکز بر مقصریابی، بر «جبران خسارت» به عنوان یک حق ذاتی شهروندان تأکید ورزند (۳۲).

۴-۲. رویه قضایی بین‌المللی: گسترش مسئولیت دولت

در پاندومی کرونا: در مقابل رویه محتاطانه ایران، دادگاه‌های کشورهای پیشرو اروپایی و آمریکای شمالی در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ آرای جنجال‌برانگیز و را صادر کردند. این آرا نشان‌دهنده گذار از «مصونیت مطلق» به سمت «مسئولیت مشروط» است. دادگاه‌های فرانسه در مسئولیت دولت به دلیل نقص در تأمین تجهیزات و اطلاعات دادگاه‌های فرانسه رویکردی سخت‌گیرانه نسبت به دولت در قبال مدیریت کووید-۱۹ اتخاذ کردند. در یکی از آرای مشهور، دادگاه اداری فرانسه دولت را به دلیل «تأخیر غیر موجه» در تأمین ماسک‌های جراحی برای کادر درمان در ماه‌های ابتدایی پاندومی مسئول دانست. دادگاه استدلال کرد که این تأخیر منجر به آلودگی کادر درمان و گسترش غیر ضروری ویروس شده است. اگرچه دادگاه حکم به پرداخت غرامت سنگین برای «ضرر معنوی» داد، اما مسئولیت را مشروط به اثبات «نقص در عملکرد اجرایی دولت» کرد. این رای نشان می‌دهد که در حقوق فرانسه، تعهد به نتیجه برای دولت در تأمین حداقل‌های بهداشتی پذیرفته شده است (۳۳). در کشور ایتالیا آرای صادر شده است که مسئولیت به دلیل عدم قرنطینه به موقع و نقض حق حیات را برای دولت مقرر کرده است. دادگاه‌های ایتالیا در برخی پرونده‌ها، دولت منطقه‌ای و فدرال، را به دلیل «تصمیم‌گیری دیرنگام» برای اعمال قرنطینه در استان‌های آلوده مسئول دانستند. قضات استدلال کردند که تأخیر در اقدامات پیشگیرانه، رابطه علیت مستقیم با افزایش مرگ و میر ایجاد کرده و قاضی اعلام کرد که دولت نمی‌تواند با استناد به شرایط اضطراری از مسئولیت در برابر نقض حقوق اساسی شهروندان شانه خالی کند.

در آمریکا دادگاه‌های فدرال در اکثر دعاوی علیه دولت یا دولت‌های ایالتی، با استناد به ایمنی سیاسی یا مصونیت حاکمیتی، از رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی در قبال کووید معاف شدند. با این حال، در پرونده‌هایی، مانند دعاوی خانوادگی یک بیمار فوت‌شده در خانه سالمندی در کالیفرنیا، دادگاه‌ها با سخت‌گیری به بررسی «قصور در نظارت» پرداختند و در مواردی حکم به مسئولیت مدنی دادند. دادگاه عالی

انگلستان در پرونده‌ای مشابه، استدلال کرد که دولت در تصمیم‌گیری‌های کلان بهداشتی فضای تصمیم‌گیری دارد و مگر اینکه ثابت شود تصمیمی عقلانی‌تر وجود داشته که دولت از آن غفلت کرده باشد که دیگر، مسئول نیست. در رویه‌ای نوآورانه دیوان عالی هند، مسئولیت دولت را نه لزوماً بر اساس «تقصیر پزشکی»، بلکه بر اساس «نقض حق دسترسی به اطلاعات» بررسی کرد (۳۴).

آرای بین‌المللی نشان می‌دهد که دادگاه‌ها به جای تمرکز بر تقصیر پزشکان، بر «نقص سیستماتیک دولت» در تأمین امکانات، اطلاعات و سیاست‌گذاری تمرکز می‌کنند. حقوق ایران نیز باید از این آرا الگو بگیرد و مسئولیت را در سطح «سیاست‌گذاری کلان» بررسی کند و از تقصیر شخصی به نقص سیستمی برسد. رویه قضایی مدرن به سمت پذیرش «افزایش ریسک» حرکت کرده است، یعنی اگر ثابت شود که اقدام دولت، احتمال مرگ یا بیماری را به طور معناداری افزایش داده، مسئولیت محقق می‌شود. در حقوق ایران، توصیه می‌شود که رویه قضایی از حالت «انفعالی» خارج شده و با تکیه بر اصول حقوقی موجود، مانند قاعده لاضرر و اصل ۲۹ قانون اساسی، مسئولیت دولت را در صورت «نقص در مدیریت بحران» یا «عدم شفافیت» بپذیرد. در رویه قضایی برای ارزیابی مسئولیت مدنی دولت در بیماری کووید-۱۹، می‌تواند به اصولی، مانند اصل احتیاط که طبق آن دولت موظف است اقدامات پیشگیرانه لازم را برای جلوگیری از شیوع بیماری انجام دهد استناد کند، اصل شفافیت که در آن دولت باید اطلاعات دقیق و شفاف در مورد وضعیت بیماری و اقدامات انجام‌شده ارائه دهد.

دادگاه‌ها معمولاً در مواردی که دولت در انجام وظایف قانونی خود قصور کرده باشد، آن را مسئول می‌دانند. برای مثال، اگر دولت در تأمین تجهیزات پزشکی، اطلاع‌رسانی به‌موقع یا قرنطینه مناطق آلوده کوتاهی کند و این امر منجر به گسترش بیماری و خسارت به شهروندان شود، می‌توان دولت را مسئول دانست.

نتیجه‌گیری

پس از واکاوی مبانی نظری، مستندات قانونی و رویه قضایی ملی و بین‌المللی، می‌توان به نتایج تحلیلی زیر دست یافت که نشان‌دهنده گذار پارادایمی در مسئولیت مدنی دولت در عصر پاندومی‌هاست:

۱- در بحران‌های پاندومیک تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که نظریه سنتی مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به دلیل دشواری‌های شدید در اثبات رابطه علیت مستقیم و انحصاری میان قصور دولت و خسارت فردی، در مواجهه با بحران‌های جمعی، مانند کووید-۱۹ کارایی خود را از دست داده است. در چنین شرایطی، تمرکز بر مقصریابی فردی یا سیستمی، می‌تواند مانعی برای جبران سریع خسارات زیان‌دیدگان باشد. به نظر می‌رسد که «حق دسترسی به اطلاعات» و «شفافیت عملیاتی» دولت، به خودی خود یک تکلیف حقوقی است. نقض این تکلیف (مانند پنهان‌کاری آمار یا تأخیر در هشدارها) می‌تواند مبنای مستقیمی برای مسئولیت مدنی دولت باشد، حتی اگر نقص فنی یا پزشکی در درمان اثبات نشود.

۲- نمی‌توان ادعا کرد که «تقصیر» در همه موارد، شرط ایجاد مسئولیت برای دولت است و یا برعکس، نمی‌توان استنتاج کرد که در همه موارد، دولت حتی «بدون تقصیر» هم مسئولیت مدنی دارد. مسئول دانستن دولت نسبت به زیان‌هایی که قابل انتساب به او نیست، برخلاف «اصل شخصی‌بودن مسئولیت مدنی» است. بنابراین مبانی مسئولیت مدنی دولت را نمی‌توان با مبانی فلسفی حقوق خصوصی توجیه کرد، مسئولیت مدنی دولت به معنی «مسئولیت دولت» است، که بدون تحقق تقصیر و سببیت هم به وجود می‌آید، لذا جبران زیان‌های حاصل از بیماری‌های واگیرداری چون کووید-۱۹ با نظریه تقصیر قابلیت جبران ندارد، زیرا اولاً اثبات تقصیر در بسیاری موارد مشکل است؛ ثانیاً در برخی موارد اصلاً تقصیری وجود ندارد تا جایی که در بسیاری از کشورها همچون فرانسه به تئوری «تعهد ایمنی» روی آورده‌اند.

۳- مبنای منطقی و عادلانه برای مسئولیت دولت در حوادث قهری و پاندومیک، نظریه دولت مسئول و همبستگی اجتماعی

است، زیرا دولت متعهد است حتی در صورت عدم تقصیر مستقیم، حداقل‌های جبران خسارت را تأمین کند. مسئولیت دولت عبارت است از اصل پاسخگویی و لزوم جبران خسارت در مقابل اشخاص حقیقی یا حقوقی؛ این امر اتفاق نخواهد افتاد مگر در سایه دولت مسئول، زیرا دولت از افراد جامعه مالیات اخذ می‌کند و از طرف دیگر تکالیف قانونی برای شهروندان وضع می‌کند تا آن‌ها در اعمال خود تابع مقررات قانونی باشند. بنابراین دولت مسئول حفظ و نگهداری از جان و مال و آبروی افراد جامعه است و باید قبل از هر چیز شرایط زندگی حداقلی افراد جامعه خود را تأمین کند در واقع مسئولیت مدنی دولت بخشی از نظام حقوق عمومی غرامت‌ها و جبران‌هاست (Public Compensations Law) است نه مسئولیتی محو شده در «تقصیر؛ ضرر و سببیت»، بلکه مسئولیتی است که هدف از آن برقراری تعادل میان چهار ارزش «حفظ حق زیان دیده»؛ «بازدارندگی دولت و کارکنان از خطا و اشتباه»؛ «کارایی اداری» و «توزیع درست منابع عمومی میان شهروندان» است.

پیشنهادهای: ۱- پیشنهاد می‌شود قانونی خاص تدوین شود که مشخص کند که آیا جبران خسارت، ترمیمی (Replacement) است یا کامل (Full Compensation) و یک «صندوق ملی جبران خسارات پاندومیک» تاسیس گردد این صندوق باید از محل بودجه عمومی و بخش‌هایی از درآمدهای نفتی یا مالیاتی خاص تغذیه شود تا در زمان وقوع بحران، امکان پرداخت سریع غرامت به قربانیان وجود داشته باشد، مثل صندوق جبران خسارات قربانیان ناشی از بیماری ایدز در فرانسه که همچنین وظیفه‌ای را به عهده دارد؛

۲- پیشنهاد می‌شود با صدور آرای وحدت رویه، معیارهای مشخصی برای تشخیص «تقصیر سیستماتیک» از «تقصیر فردی» تعیین کنند. دادگاه‌ها باید آموزش ببینند که در پرونده‌های کوویدی، به جای تمرکز بر تقصیر پزشکان، بر نقص در سیاست‌گذاری‌های کلان، مانند تأخیر در قرنطینه یا کمبود تجهیزات تمرکز کنند؛

۳- رویه قضایی می‌تواند با استناد به قاعده‌الخراج بالضمآن و ضمان بیت‌المال، رویه‌ای را توسعه دهند که در آن، بیت‌المال

موظف به جبران خساراتی باشد که ناشی از نقص در تأمین امنیت عمومی است، حتی اگر عامل مستقیم، ویروس یا طبیعت باشد.

مشارکت نویسندگان

مهدی امیدی: ایده پردازی و طراحی چهارچوب نظری پژوهش، تبیین مبانی حقوقی، نگارش بخش‌های اصلی مقاله، تحلیل و توصیف و استدلال‌های حقوقی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و نهایی‌سازی متن مقاله و مکاتبات علمی با مجله. محمدحسین جعفری: مشارکت در تدوین مبانی حقوقی مرتبط با موضوع، ارائه مشاوره علمی در تبیین مفاهیم حقوقی. روح‌الله بخت‌جو: بازخوانی و ویرایش علمی مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش این مقاله، تمامی تعاریف و تحلیل‌ها و استدلال‌های علمی حقوقی و محتوای مقاله توسط نویسندگان انجام شده و مسئولیت کامل صحت و دقت بر عهده نویسندگان است.

References

1. Venner A. The State: An Introduction to Political Theory. New York: Oxford University Press; 1971. p.5-12.
2. Ferrykhte M. Public Law Definitions. Tehran: University Publication; 1977. p.12. [Persian]
3. Entezam A. Political Concepts. Tehran: Nashr-e Danesh Publications; 1964. p.25-29. [Persian]
4. Ashouri A. Political Science Terms. Tehran: Samt Publications; 1970. p.40. [Persian]
5. Rhodes R. The New Governance: Governing without Government. Political Studies. 1999; 44(4): 652-667.
6. Jones M. Locke's Political Philosophy. London: Macmillan; 1961. p.88-90.
7. Cane P. An Introduction to Tort Law. Oxford: Hart Publishing; 1997. p.15.
8. Bailey S. State Liability in Tort. London: Sweet & Maxwell; 2006. p.204.
9. Zargoush M. Administrative Law and State Liability. Tehran: Mizan Publications; 2000. p.112-115. [Persian]
10. Emami S, Zargoush M. Principles of Civil Law. Tehran: Savaran Publications; 1986. p.340-342. [Persian]
11. Amir Arjmand M. Administrative Law. Tehran: Gholam Ali Afshar; 1987. p.55. [Persian]
12. Ghamami H. Comparative Civil Law. Tehran: University of Tehran; 1976. p.180-182. [Persian]
13. Hosseinienezad A. General Principles of Civil Law. Tehran: Mizan Publications; 1970. p.95. [Persian]
14. Alsan M. Administrative Liability. Tehran: University of Tehran; 1985. p.210-212. [Persian]
15. Mahyari E. The History of Coronaviruses. Nature. 1986; 320: 1-5.
16. Locke J. Two Treatises of Government. Cambridge: Cambridge University Press; 1690. p.380-385.
17. Horder J. Excusing Crime. Oxford: Oxford University Press; 2004. p.145.
18. Stewart R. The Reformation of American Administrative Law. Harvard Law Review. 1975; 88(8): 1667-1813.
19. Stone J. Social Dimensions of Tort Law. Toronto: Carswell; 1986. p.78-79.
20. Starck B. La Théorie de la Garantie des Droits. Paris: Dalloz; 1957. p.220-223. [French]
21. Baldwin R, Cave M, Lodge M. Understanding Regulation: Theory, Strategy and Practice. Oxford: Oxford University Press; 1999. p.15-17.
22. Makarem Shirazi N. Principles of Jurisprudence and Legal Theory. Qom: Dar al-Hadith; 2001. p.45-50. [Persian]
23. Duguit L. The State, the Officers and the Public Servants. New York: G.E. Stechert; 1998. p.102-103.
24. Emami S. Civil Law Principles. Tehran: Savaran Publications; 1994. p.290-293. [Persian]
24. Pignierol B. Administrative Liability and Social Solidarity. Paris: Dalloz; 2005. P.85
26. Hashemi M. International Human Rights Law. Tehran: University of Tehran; 1984. P.115-116 [Persian]
27. Padfield N. Government Liability. London: Sweet & Maxwell; 1992. P.56-57
28. Urbina J. The Responsible State and Social Justice. Madrid: Centro de Estudios Políticosy Constitucionales; 2005. p.33-35. [Spanish]
29. Sadeghi A. Administrative Law in Iran. Tehran: University of Tehran Press; 2010. P.175-180 [Persian]
30. Haghshenas F. Crisis Management and Legal Challenges. Tehran: Mizan; 2015. P.220-222 [Persian]
31. Mirzaii S. Environmental Liability and State Responsibility. Tehran: Savaran Publications; 2018. p.98. [Persian]
32. Emami S. Principles of Civil Law. Tehran: Savaran Publications; 2005. p.310. [Persian]
33. Bell J. French Administrative Law. Oxford: Oxford University Press; 2018. p.495-502.
34. Indian Supreme Court. M.C. Mehta v. Union of India: Right to Information and Public Health. New Delhi: Supreme Court of India; 2020. p.12-13.